

ازدواج از منظر اقتصاد حقوق

Marriage From the Perspective of Economics of Law

A. Tazikinejad, M.S.

علی تازیکی نژاد ✉

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات گرگان، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم

J. Shafih Sardasht, M.S.

جعفر شفیعی سردشت

دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

E. Shamsyan, M.S.

اسماعیل شمسیان

دانشجوی دوره دکتری اقتصاد دانشگاه سمنان

دریافت مقاله: ۸۹/۴/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۴

Abstract

Marriage law, as part of general pattern of family- is a policy instrument that defines optimal behavioral standards for matrimonial relationship through ordaining sanctions.

Imposing such standards regardless of their consequences may result in anxiety in the family institution and subsequently in the society itself and may raise the motivation of defensive behaviors among people and as a result will increase the cost of legislative and judicial system.

Economic approach to the marriage law with analyzing aftermath of laws

چکیده

حقوق ازدواج به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر نهاد مقدس خانواده، ابزار سیاستی است که با وضع ضمانت‌های اجرایی خاص خود، سعی می‌کند استانداردهای مطلوب رفتاری زوجین فعلی و آتی را مشخص نماید. به عبارت دیگر سعی دارد وضعیت نهاد خانواده و بازیگران آن را به سمتی سوق دهد که حتی‌الامکان منطبق بر الگوی مورد قبول عقل جمعی و شرع حاکم بر آن جامعه باشد. وضع این استانداردها، بدون توجه به پیامدهای آن، نهاد خانواده و متعاقب آن جامعه را با تشویش مواجه ساخته و انگیزه‌های رفتاری تدافعی را در افراد تقویت می‌نماید و در هر صورت هزینه‌های نظام قانونگذاری و قضایی را افزایش می‌دهد.

✉ Corresponding author: Department of Law, Olom o tahghigat, Azad University, Gorgan, Iran.
Tel: +9801713332074

Email: rtaziki@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: استان گلستان، شهرستان گرگان، دانشگاه آزاد

اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه حقوق

تلفن: ۰۱۷۱-۳۳۳۲۰۷۴

پست الکترونیکی: rtaziki@gmail.com

on couple's behavior is looking for minimizing marriage costs including couple, society and judiciary system costs, and maximizing the cost of its inefficient breach. Incentive role of family law and its supplements, such as labor laws, tax and employment affairs etc., on the rate of marriage and divorce, the amount of dowry and other couple's decisions is a topic that economics of family law is recently very focused on. This article, in the form of "contract" and "market" and by using of concepts including costs, benefits, efficiency, competition and monopoly will present the economic analysis of marriage and other related legal concepts and is to introduce a new approach to Iranian family legislators and judges.

Keywords: Marriage, Economics of Law, Contract, Market.

رویکرد اقتصادی به حقوق ازدواج، با مطالعه پیامدها و نتایج قوانین بر رفتار زوجین، به دنبال حداقل-سازی هزینه‌های ازدواج - شامل هزینه‌های زوجین، جامعه و نظام قانونگذاری و قضایی - و افزایش هزینه‌های نقض ناکارآمد آن است. نقش انگیزشی قوانین خانواده و قوانین مکمل آن - قوانین کار، امور استخدامی، مالیاتی و غیره - در نرخ ازدواج و طلاق، میزان مهریه و سایر تصمیمات زوجین، موضوعی است که در اقتصاد حقوق خانواده مورد توجه جدی قرار دارد. نوشتار حاضر، در قالب دو عنصر «عقد» و «بازار» و با استفاده از مفاهیم هزینه، منفعت، کارآمدی، رقابت و همکاری، اطلاعات نامتقارن و غیره، به بررسی اقتصادی ازدواج و مفاهیم حقوقی وابسته به آن می‌پردازد و بدین‌گونه رویکردی نوین را به قانونگذاران و قضات امور خانواده ایران معرفی می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، اقتصاد حقوق، عقد، بازار.

عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر

The Marriage Protective Factors in Married People With Risk Factors

Sh. Khaledi, M.A.

F. Mootabi, Ph.D.

T. Pourebrahim, Ph.D.

F. Bagheryan, Ph.D.

شیدا خالدی ✉

کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار، روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر تقی پورابراهیم

استادیار، مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فاطمه باقریان

استادیار، روان‌شناسی اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۵

Abstract

This study was conducted to investigate the marriage protective factors in married people with risk factors.

The method of this study is qualitative. In this study the researcher-made risk factor check list and Enrich Marital Satisfaction Questionnaire (115-item test) were used. to select the sample group, Risk Factor Check List and Enrich marital satisfaction questionnaire were distributed among 100

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر انجام شده است. روش پژوهش کیفی است. در این پژوهش از چک‌لیست محقق ساخته عوامل خطر و پرسش‌نامه ۱۱۵ سؤالی رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. جهت انتخاب گروه نمونه چک‌لیست عوامل خطر و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در بین ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن متأهل که حداقل ۳ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود توزیع شد.

✉ Corresponding author: Tehran, Shahid Beheshti University, Evin, Family Research Centre.
Tel: +9809183315713
Email: sheyda.khaledi@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۹۱۸۳۳۱۵۷۱۳

پست الکترونیکی: sheyda.khaledi@gmail.com

men and 100 women who had been married for at least 3 years. Among these 200 individuals, 22 people with high risk factors and marital satisfaction were screened. Data reached saturation through interviewing 18 people. Protective factors based on their frequencies include: relationship, personality traits, skills, adjustment, outside factors, religion, and beliefs. Each of these protective factors includes several primary components. Some of the components such as respect, desirable sexual relation and commitment have important role in protecting marriage. In addition, some other factors, such as contentment, not being jealous of other people's lives, accepting the current life situation, were mentioned that seem to be specific to Iranian culture. There was no significant difference between men and women choosing protective factors. There was however a significant difference between men and women in some of the mentioned components.

Keywords: Protective Factors, Marriage, Risk Factors, Marital Satisfaction.

از بین این ۲۰۰ نفر ۲۲ نفر که عوامل خطر و رضایت زناشویی بالا داشتند انتخاب شدند. ضمن مصاحبه با ۱۸ نفر داده‌ها به اشباع رسید. عوامل عمده حفاظت‌کننده بر اساس فراوانی شامل ارتباط، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، سازگاری، عوامل بیرونی، مذهب و باورها می‌باشند. هر یک از این عوامل حفاظت‌کننده شامل چند مؤلفه اولیه هستند. تعدادی از مؤلفه‌ها مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشتند. علاوه بر این به عوامل حفاظت‌کننده‌ای مانند قناعت، عدم چشم و هم‌چشمی و پذیرش زندگی اشاره شد که به نظر می‌رسد خاص فرهنگ ایرانی است. بین زنان و مردان در انتخاب عوامل عمده حفاظت‌کننده تفاوت معناداری مشاهده نشد اما در برخی از مؤلفه‌های بیان شده مانند امیدواری، همدلی، همکاری با هم در کارهای خانه، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل و تماس جسمانی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل حفاظت‌کننده، ازدواج، عوامل خطر، رضایت زناشویی.

مالیت و قابلیت انتقال رویان

Propertiness and Transferability of Embryo

S. M. Azin, M. A.

سیدمحمد آذین ✉

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و پژوهشگر گروه اپیدمیولوژی و سلامت باروری، مرکز تحقیقات اپیدمیولوژی باروری، پژوهشگاه رویان، جهاد دانشگاهی

S. A. Azin, Ph.D.

دکتر سیدعلی آذین

دکترای تخصصی پزشکی اجتماعی، گروه عفونت‌های تولید مثل، پژوهشگاه ابن سینا، جهاد دانشگاهی

دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۲۱

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۹

Abstract

Approval of "Embryo Donation Act 2003" inducted the expression of "Embryo Donation" in our legal literature and formally legitimized this kind of Assisted Reproductive Treatment. This article aims at studying legal and ethical legitimacy of embryo donation through legal and juridical evaluation of properties' transferability.

What justifies the necessity of this study is that if we consider "embryo donation" as a real donation, it shall comply with general conditions of properties' transferability, since "donation" is a legal act which is basically.

چکیده

با تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور به تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۸۲، اصطلاح «اهدای جنین» رسماً وارد ادبیات حقوقی کشورمان شده و قانون، یکی از روش‌های مرسوم تلقیح مصنوعی یعنی انتقال رویان (Embryo) را مشروعیت بخشیده است. این مقاله بر آن است تا با بررسی شرایط قابلیت انتقال اموال از منظر فقهی و قانونی، مشروعیت انتقال حقوقی رویان، که در لسان قانونگذار جنین نامیده شده را مورد تحقیق قرار دهد. در توجیه ضرورت این مطالعه همین بس که اگر ماهیت آنچه در لسان عرف و حتی نزد حقوق‌دانان و قانون‌گذار، «اهدای جنین» نامیده می‌شود.

✉ Corresponding author: Tehran, Tehran University, Faculty of Law
Tel: +9802122320987
Email: azinlawyer@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق

تلفن: ۲۲۳۲۰۹۸۷

پست الکترونیکی: azinlawyer@gmail.com

governed by general legal rules and one of these rules is the necessity of being as property and the transferability of transaction's subject. Furthermore, considering embryo as property could solve the matter of commercialization of artificial insemination. However, first, we have to ask whether it is ethical to count a potential human being as a property. Why do not we legitimize "embryo transfer" instead of "embryo donation" in order to get rid of dissoluble challenges of its recognition as a "legal act"? Is not it the best way to identify "embryo transfer" as a "legal rule" authorized by the parliament?

This article suggests the basis of "legal rule" as the headstone of embryo transfer's legitimacy.

KeyWords: Embryo donation, Donation, Embryo, Property, Personhood.

حقیقتاً هبه باشد، باید شرایط عمومی انتقال مورد معامله در خصوص رویان نیز صدق کند.

چه آن که هبه به صراحت قانون مدنی و نظر بسیاری از فقیهان یک عقد است و جز مقرراتی که بنا به صراحت شریعت مختص هبه قرار داده شده، این عقد در سایر احکام، تابع قواعد عمومی قرار داده است. یکی از این قواعد عمومی مورد اجماع، ضرورت مالیت داشتن و قابلیت انتقال مورد معامله است. شیئی را می‌توان به موجب یکی از عقود منتقل نمود که اولاً مالیت داشته باشد و ثانیاً دارای اوصافی باشد که مانع از امکان انتقال حقوقی آن نشود. باور به مال بودن و قابلیت انتقال رویان آثاری فراتر از تصحیح عمل اهدای جنین به همراه دارد و می‌تواند مشکل تجاری‌سازی تلقیح مصنوعی را نیز مرتفع سازد. اما باید دید آیا واقعاً می‌توان موجودی که قابلیت تبدیل به نوع انسانی را دارد، به استناد وضعیت فعلی‌اش مال دانست و اساساً پیامدهای چنین تحلیلی تا چه حد می‌تواند اخلاقی و در نتیجه مورد تأیید قانون باشد؟ آیا نمی‌توان با قول به «حاکمیت قانون» در مشروعیت‌بخشی به انتقال رویان، از چالش‌های غیرقابل حل عقد دانستن این عمل گریخت و در عین حال از مزایای مشروعیت انتقال رایگان رویان بهره‌مند ماند؟ این مقاله تلاش می‌کند به پاسخی درخور به این پرسش‌ها دست یابد.

کلیدواژه‌ها: اهدای جنین، هبه، رویان، مالیت، شخصیت.

پیش‌بینی خودشناسی انسجامی فرزندان براساس ویژگی‌های فرزندپروری والدین

Predicting Children's Integrative Self-Knowledge in Terms of Parenting Characteristics of Parents

M. A. Besharat, Ph.D.

دکتر محمدعلی بشارت ✉

استاد دانشگاه تهران

S. Bazzazian, Ph.D.

دکتر سعیده بزازیان

استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر

N. Ghorbani, Ph.D.

دکتر نیما قربانی

استاد دانشگاه تهران

M. S. Asghari, M. A.

مهساسادات اصغری

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۳

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۱۷

Abstract

The relationship between parenting characteristics of parents and children's integrative self-knowledge was investigated in the present study. The aim was to examine the predictive power of children's integrative self-knowledge in terms of parenting characteristics of involvement, autonomy support, and warmth in a sample of students.

✉Corresponding author: Tehran, Bridge Geisha, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Psychology Group
Tel: +9802611117488
Email: besharat@ut.ac.ir

چکیده

در این پژوهش، رابطه ویژگی‌های فرزندپروری والدین با خودشناسی انسجامی فرزندان مورد بررسی قرار گرفت. هدف، آزمودن قدرت پیش‌بینی خودشناسی انسجامی فرزندان بر اساس ویژگی‌های مشارکت، حمایت از خودپیروی و مهرورزی والدین در یک نمونه دانشجویی بود. تعداد ۳۵۲ دانشجو (۱۴۲ پسر، ۲۱۰ دختر) از مقطع کارشناسی دانشگاه تهران در این پژوهش شرکت کردند.

✉نویسنده مسئول: تهران، پل گیشا، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۲۱۶۱۱۱۷۴۸۸
پست الکترونیکی: besharat@ut.ac.ir

A total of 352 undergraduate students (142 males, 210 females) from University of Tehran were included in this study. Participants were asked to complete the Perception of Parents Scale (PPS) and the Integrative Self-Knowledge Scale (ISKS). Perceived autonomy support and perceived warmth showed a significant positive association with integrative self-knowledge. Regression analysis revealed that perceived autonomy support and perceived warmth can predict changes of integrative self-knowledge, respectively. It can be concluded that parenting characteristics of parents can influence children's integrative self-knowledge in different ways and possibly through different mechanisms. These characteristics are also influenced by cultural variables.

Keywords: Family, Involvement, Autonomy, Warmth, Self-Knowledge.

از آزمودنی‌ها خواسته شد مقیاس ادراک از والدین (PPS) و مقیاس خودشناسی انسجامی (ISKS) را تکمیل کنند. نتایج نشان داد که ویژگی‌های حمایت والدین از خودپیروی و مهرورزی والدین با خودشناسی انسجامی رابطه مثبت معنادار دارند. تحلیل رگرسیون نشان داد که به ترتیب ویژگی مهرورزی مادر و حمایت پدر از خودپیروی می‌توانند تغییرات مربوط به خودشناسی انسجامی را پیش‌بینی کنند. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های فرزندپروری والدین به شکل‌های گوناگون و احتمالاً بر حسب مکانیسم‌های متفاوت، خودشناسی انسجامی فرزندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این ویژگی‌ها همچنین تحت تأثیر متغیرهای فرهنگی هستند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مشارکت، خودپیروی، مهرورزی، خودشناسی.

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی
دو نسل والدین و فرزندان

**Intergenerational Transmission of Family Factors: Parenting Styles,
Attachment Styles & Family Climate**

M. M. B. Azad Moosavi, M. A.

M. R. Jalali, Ph.D.

✉ میرمحمدباقر آزاد موسوی

کارشناس ارشد روان شناسی عمومی

دکتر محمدرضا جلالی

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۶)

دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۱

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۲/۱۰/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۱۶

Abstract

This research aimed to examine the relationship between parental styles (authoritative, permissive, authoritarian and neglectful), attachment styles (secure, avoidant and ambivalent) & family climate (hot and cold) of two generations. Subjects were 220 (110 boy students of third class of secondary schools of two districts of Qazvin, and 110 parents) who were selected via cluster sampling.

✉ Corresponding author: Western Azerbaijan, Khoy City, university Avenue, Payam Noor University of Khoy
Tel: +9809365959419
Email: Azad.moosavi@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی رابطه بین شیوه‌های مختلف فرزندپروری (مقتدر، سهل‌گیر، استبدادی و بی‌توجه)، سبک‌های مختلف دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و جو خانوادگی (گرم و سرد) دو نسل (والدین و فرزندان) صورت پذیرفته است. گروه نمونه پژوهش حاضر ۲۲۰ آزمودنی (۱۱۰ دانش‌آموز پسر کلاس سوم راهنمایی مدارس نواحی دوگانه شهر قزوین همراه با ۱۱۰ نفر از والدین‌شان) بودند که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی انتخاب شدند.

✉ نویسنده مسئول: استان آذربایجان غربی، شهر خوی، خیابان دانشگاه، دانشگاه پیام نور مرکز خوی
تلفن: ۰۹۳۶۵۹۵۹۴۱۹
پست الکترونیکی: Azad.moosavi@yahoo.com

In this study, Schaffer's parenting questionnaires styles (Naqashian, 1358) and Collins and Read's attachment (Collins & Read, 1990) were used as measures for collecting required data. Analyzes were carried out using simple linear regression, pearson correlation and chi-square. Results revealed that parenting styles, attachment styles and family climate of parents, predict same variables in children as second generation.

Keywords: Parenting Styles, Attachment Styles, Family Climate & Intergenerational Transmission.

در این پژوهش، از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری شیفر (نقاشیان، ۱۳۵۸) و سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (کولینز و رید، ۱۹۹۰)، به عنوان ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها، از روش مجذور خی ۲، روش همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون خطی ساده گام به گام استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه معناداری بین شیوه فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و جو خانوادگی دو نسل وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: شیوه فرزندپروری، سبک دلبستگی، جو خانوادگی و انتقال بین‌نسلی.

رابطه عملکرد خانواده و نیازهای روان‌شناختی با سلامت روانی نوجوانان*

The Relationship Between Family Functioning and Psychological Needs with Adolescents' mental Health

A. Rahiminezhad, Ph.D.

دکتر عباس رحیمی نژاد ✉

استادیار دانشگاه تهران

M. Paknejad, Ph.D.

دکتر محسن پاک‌نژاد

استادیار پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران

دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲۲

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۲/۱۰/۳۰

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۱۰

Abstract

The family and its function as a social institution has an important role in children's psychological development. The Aim of this study is to investigate the relations of family functioning and the level of psychological basic needs of adolescents with their mental health. Research design is descriptive-correlational and the sample has been recruited from four military areas in Tehran city via simple random sampling method.

چکیده

خانواده و عملکرد آن اولین نهاد اجتماعی است که نقش مهمی در تحول روان‌شناختی فرزندان دارد. هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه عملکرد خانواده و سطح ارضای نیازهای روانی با بهداشت روانی فرزندان نوجوان خانواده می‌باشد. روش پژوهشی نیز مطالعه از نوع توصیفی همبستگی است که در جامعه آماری خانواده‌های ساکن شهرک‌های مسکونی سازمان صنایع دفاع در شهر تهران و با انتخاب تصادفی ۲۰۰ خانواده دارای نوجوان و جوان (۱۴ تا ۲۲ ساله) انجام شد.

* این مقاله بر اساس پژوهشی با همین عنوان با حمایت مالی سازمان صنایع دفاع (ساصد) و در جهاد دانشگاهی واحد تهران به انجام رسیده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

تلفن: ۰۹۱۲۴۰۱۸۹۵۵

پست الکترونیکی: arahimi@ut.ac.ir

✉ Corresponding author: Tehran, Tehran University, Faculty of Psychology.
Tel: +9809124018955
Email: arahimi@ut.ac.ir

A total number of 200 families with their youth (14 to 22 year old) completed three questionnaires: Family Assessment Device (FAD), Psychological Needs Questionnaire (PNQ), and General Health Questionnaire (GHQ). The results indicate that there are significant correlations between family functioning subscales and mental health of their adolescences. Other findings show that low family functioning has negative correlation with psychological basic needs (including three subscales: competence, autonomy, and relatedness) of adolescents. We discuss the results in the light of previous findings and provide suggestions to improve family function.

Keywords: Family Function, Adolescence's Mental Health, Basic Psychological Needs.

داده‌های پژوهشی با استفاده از سه پرسش‌نامه ابزار سنجش خانواده^۱، پرسش‌نامه نیازهای روان‌شناختی^۲ و پرسش‌نامه سلامت روانی عمومی^۳ گردآوری شد. یافته‌ها نشان داد که بین عملکرد کلی خانواده‌ها و سلامت روان فرزندان نوجوان آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. یافته دیگر نشان‌دهنده رابطه منفی بین عملکرد پایین خانواده‌ها و ارضای نیازهای اساسی فرزندان آن‌هاست. در پایان ضمن بررسی این یافته‌ها پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد خانواده مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: عملکرد خانواده، سلامت روانی، نیازهای روان‌شناختی، نوجوان.

رابطه تعاملی ابعاد فرزندپروری ادراک شده و خودکارآمدی با بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان

The Mediator Relationship/Effect of Subsets of Applied Parenting Styles and Self - Efficacy on Psychological Well - Being in Adolescents

L. Malekzade, M. A. ✉

لیدا ملک‌زاده ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی از دانشگاه شهید بهشتی

M. Heidari, Ph.D.

دکتر محمود حیدری

عضو هیأت علمی روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Sh. Pakdaman, Ph.D.

دکتر شهلا پاکدامن

عضو هیأت علمی روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

K. Tahmassian, Ph.D.

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۲/۴/۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۸/۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۲۷

Abstract

The main purpose of the present study is to investigate the moderator relationship of dimensions of parenting styles and self-efficacy with psychological wellbeing in teenagers. The statistical population of this study is all female students in first grade of high school in Tehran.

✉Corresponding Author: Tehran, Evin, Beheshti University Faculty of Psychology and Educational Sciences

Tel: +9809395091558

Email: malekzadeh1@yahoo.com

چکیده

هدف اصلی این پژوهش تعیین رابطه تعاملی ابعاد فرزندپروری ادراک شده و خودکارآمدی با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان شهر تهران بودند. در این مطالعه ۴۵۰ دانش‌آموز از پنج منطقه تحصیلی شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تهران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند.

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده

روان‌شناسی و علوم تربیتی

تلفن: ۰۹۳۹۵۰۹۱۵۵۸

پست الکترونیکی: malekzadeh1@yahoo.com

Four hundred and fifty students were selected through cluster sampling method from 5 areas (north, south, west, east and center) in Tehran. For measuring the factors in this study parenting styles (Shiffer, 1965), psychological wellbeing scale (ryff, 1989) and self-efficacy scale (Sherer & Adams, 1982) were used. Data were analyzed by Pearson correlation and path analysis. Results show that the moderator effect of self-efficacy and perceived Acceptance-Rejection significantly predict psychological wellbeing and subscales of Environmental mastery, Personal growth, Positive relations with others, Purpose in life and Self-acceptance.

Self-efficacy and perceived demandingness-Freedom, separately and significantly predicts subscale of Autonomy. In conclusion, results show that the moderator effect of self-efficacy and perceived Acceptance-Rejection and the moderator effect of self-efficacy and perceived demandingness-Freedom significantly predicts subscale of self-acceptance. In subscale of positive relations with others, in addition to the moderator effect between self-efficacy and perceived Acceptance-Rejection, these later two variables separately are significant predictor variables.

Keywords: Self-Efficacy, Psychological Well-Being, Perception of Parenting Styles.

برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسش‌نامه ادراک از سبک‌های فرزندپروری شیفر (۱۹۶۵)، مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) و مقیاس خودکارآمدی شرر و آدامز (۱۹۸۲) استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج کلی نشان داد که تعامل خودکارآمدی و پذیرش - طرد ادراک شده پیش‌بینی‌کننده معنادار بهزیستی روان‌شناختی و زیرمقیاس‌های تسلط بر محیط، رشد فردی، روابط مثبت، هدف در زندگی و پذیرش خود در بهزیستی روان‌شناختی است. خودکارآمدی و کنترل - آزادی ادراک شده هر کدام به طور مجزا، پیش‌بینی‌کننده معنادار زیرمقیاس استقلال هستند. به طور کلی نتایج نشان داد که تعامل خودکارآمدی و پذیرش - طرد ادراک شده و تعامل خودکارآمدی با کنترل - آزادی ادراک شده، هر دو پیش‌بینی‌کننده معنادار زیرمقیاس پذیرش خود هستند. در زیرمقیاس روابط مثبت علاوه بر تعامل خودکارآمدی با پذیرش - طرد ادراک شده، خودکارآمدی و پذیرش - طرد ادراک شده نیز به طور مجزا پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری هستند.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری ادراک شده، بهزیستی روان‌شناختی، خودکارآمدی.